

چرایی تبدیل مهریه به یک معضل قضایی و قانونی در گفت‌وگوی «جوان» با یک وکیل دادگستری

پرداخت نکردن مهریه و بازداشت بدهکار زیربنای فرهنگی دارد

ارقام نجومی نرسد. از طرف دیگر، اگر فرهنگ‌سازی نشود که مهریه در همان زمان عقد پرداخت و دریافت شود، سطح مهریه‌ها خودبه‌خود پایین می‌آید و دیگر شاهد مهریه‌های سنگین و غیرواقعی نخواهیم بود. نظر شما در این باره چیست؟

واقعیت این است که مسئولیت اصلی مهریه بر عهده مرد است. من از نیروهای مذهبی و فعال قبل از انقلاب هستم و ما از همان سال‌ها با فضای سیاسی و فرهنگی آشنا شدیم، اما امروز وقتی به عرصه‌های فرهنگی نگاه می‌کنیم، می‌بینیم در بسیاری از حوزه‌ها نتوانسته‌ایم درست عمل کنیم. تصور ما این بود که اگر جمهوری اسلامی مستقر شود، مراکز فرهنگی در اختیار نیروهای متعهد قرار می‌گیرد و با کار فرهنگی عمیق، بسیاری از مشکلات حل می‌شود، اما این اتفاق نیفتاد. در موضوع مهریه هم همین‌طور است. این امری که شما اشاره داشتید، امری حیاتی و درست است. اگر از ابتدا فرهنگ‌سازی می‌شد که مهریه یک بدهی واقعی است و مرد باید همان زمان عقد آن را بپردازد، اصلاً مسئله‌ای به نام «پرداخت نکردن مهریه» یا «بازداشت بدهکار مهریه» به وجود نمی‌آمد. اگر این فرهنگ در روح جمعی جامعه جا می‌افتاد، مهریه‌ها منطقی‌تر تعیین می‌شد و بسیاری از اختلافات شکل نمی‌گرفت، البته باید پذیرفت که مسائل اقتصادی یکی از مهم‌ترین عوامل اختلافات خانوادگی است. بسیاری از خانواده‌ها از نظر مالی تحت فشارند، در چنین شرایطی، گاهی زن برای آذیت کردن شوهر کارگر یا کم‌درآمدش، مهریه را به اجرا می‌گذارد تا او را تحت فشار قرار دهد، هر چند این رفتارها هم ناشی از ضعف فرهنگی است. ما در بسیاری از عرصه‌ها دچار ضعف مدیریتی بوده‌ایم و مدیریت فرهنگی در مواردی نه‌تنها درست عمل نکرده، بلکه نتیجه معکوس داشته است. نمونه‌اش همین مسئله حجاب است، بارها گفته شده است زنی که حجابش کامل نیست، نباید از همین باعث شود، اما در عمل، بسیاری از این زنان طرد شده‌اند و نسبت به نظام فرهنگی بی‌اعتماد شوند. این موارد نشان می‌دهد فقط قانون نمی‌تواند جامعه را اداره کند، قانون باید در بستری فرهنگی و اجتماعی درست اجرا شود. مثالی ساده بزنم: سال‌ها پیش برای بستن کمر بند آیینی در رانندگی قانون گذاشته شد، اما تا زمانی که فرهنگ‌سازی نشده، مردم آن را جدی نمی‌گرفتند. امروز بستن کمر بند تبدیل به یک رفتار عادی و پذیرفته‌شده شده است. این موضوع همان مثل ماجرای کمر بند آیینی است. ابتدا جرم‌بند چندان سنگین نبود، اما به تدریج با تبلیغ و فرهنگ‌سازی، مردم خودشان به این نتیجه رسیدند که بستن کمر بند به نفع‌شان است. وقتی فرهنگ جافتاد، قانون هم توانست نقش حمایتی نداشته باشد. امروز دیگر چه در جاده و چه در شهر، مردم بدون اجبار و ترس از جریمه کمر بند می‌بندند، البته ابزارهای الکترونیکی هم کمک کرده‌اند، اما اصل ماجرا همان فرهنگ‌سازی است.

در سایر کشورهای اسلامی هیچ‌گاه خبری از اختلاف زوجین به دلیل مهریه را نمی‌شنویم و پاهارها آنها از همان ابتدای ازدواج مهریه خانم را پرداخت می‌کنند. درست است؟

بله، در برخی کشورهای عربی مهریه را همان ابتدا پرداخت می‌کنند و اصلاً چالشی به نام «مهریه سنگین و وصول‌نشدنی» ندارند، حتی در میان اهل سنت داخل ایران نیز چنین فرهنگی رایج است. من زمانی که در خوزستان مسئولیت قضایی داشتم، این موضوع را از نزدیک می‌دیدم، مرد هنگام ازدواج مهریه را پرداخت می‌کرد و مسئله‌ای باقی نمی‌ماند. در صدر اسلام نیز همین گونه بود؛ مردی که قصد از دواج داشت، موظف بود وسایل اولیه زندگی را فراهم کند، چون طبق مبانی فقهی، نفقه بر عهده مرد است. او باید خانه، سایبان، چراغ، بستر و نیازهای اولیه را تهیه می‌کرد، اما در جامعه امروز ما، به‌مرور فرهنگی شکل گرفت که زن باید جهیزیه بیاورد، در حالی که این موضوع ریشه شرعی ندارد. مشکل اصلی این است که ما در بسیاری از مسائل زندگی، کار فرهنگی عمیق و مداوم انجام نداده‌ایم. نه تبلیغ درستی داشته‌ایم، نه جریان‌سازی، در حالی که روایات متعددی داریم که می‌گوید شایستگی زن مسلمان در کم بودن مهریه او است، اما این آموزه‌ها مغفول مانده و به آنها توجهی نشده است. اگر این مفاهیم به‌درستی در جامعه جا می‌افتاد، بسیاری از مشکلات امروز – از مهریه‌های سنگین گرفته تا اختلافات خانوادگی – اصلاً شکل نمی‌گرفت.



مستقل ندارند و سال‌ها بدون دسترسی به داریی مالی قابل‌اتکا زندگی کرده‌اند. مهریه می‌تواند نقش یک پشتوانه آینده‌نگر را داشته باشد، نه صرفاً ابزاری برای اختلاف. اسلام نیز با همین نگاه، تأکید کرده است که مهریه باید «مالیت» داشته باشد و پرداخت آن بر عهده مرد است. اگر از همان ابتدا پرداخت شود، مهریه‌ها به‌طور طبیعی کاهش می‌یابد و مشکلات فعلی نیز کمتر می‌شود.

جدید مجلس می‌تواند به تحکیم بنیان خانواده منجر شود؟

۱۰ سال پیش، زنان در روابط خانوادگی و اجتماعی چنین جسارت و آگاهی‌ای نداشتند، اما امروز شرایط کاملاً تغییر کرده است. فضای مجازی و تحولات فرهنگی باعث شده بسیاری از زنان زودتر از گذشته سراغ ابزارهایی مثل مهریه بروند تا فشار وارد کنند، اما همین فشار، رابطه عاطفی زن و مرد را از بین می‌برد. در واقع، اجرای مهریه باید آخرین اقدام یک زن باشد؛ زمانی که رابطه عاطفی کاملاً از بین رفته و دیگر آمیدی به ادامه زندگی نیست، اما متأسفانه بسیاری از زنان قبل از رسیدن به این مرحله، برای ایجاد فشار یا وادار کردن شوهر به توجه و مهریانی، اقدام به اجرای مهریه، به شدت پشیمان شده‌اند، به همین دلیل وقتی برای مشاوره مراجعه می‌کنند، همیشه تأکید می‌کنم که اجرای مهریه باید آخرین تصمیم باشد، چون از لحظه‌ای که زن تقاضای اجرا می‌دهد، عملاً دعوای آغاز شده و دیگر نباید انتظار داشت این اقدام به ابزاری برای بهبود رابطه تبدیل شود. مگر مهریه حق شرعی زن نیست و زن نمی‌تواند پس از جاری‌شدن عقد نکاح مهریه‌اش را مطالبه کند، پس چرا در عرف ما این فرهنگ جا افتاده که اگر خانمی بخواهد مهریه‌اش را بگیرد، به این معناست که می‌خواهد جدا شود و طلاق بگیرد و مرد چنین برداشتی را از این خواسته دارد و اغلب مطالبه مهریه با طلاق و جدایی همراه می‌شود؟

بله، از نظر شرعی مهریه حق مسلم زن است و مطالبه آن هیچ اشکالی ندارد، حتی در فقه، مهریه جزو دیون ممتاز محسوب می‌شود، یعنی اگر مرد فوت کند، اولین بدهی‌ای که از ما تر که پرداخت می‌شود، مهریه است. از نظر شرعی نیز مهریه از همان لحظه عقد «حال» است و مرد باید آن را بپردازد، اما در عمل، به‌صورت تاریخی و عرفی، پرداخت مهریه به زمانی موکول شده است که اختلافی پیش بیاید. اگر قرار باشد مهریه همان زمان عقد پرداخت شود، دیگر یک کارمند ساده نمی‌تواند هزار سکه مهریه تعیین کند، چون در لحظه باید آن را بپردازد. همین موضوع باعث می‌شود مهریه‌ها منطقی‌تر و سبک‌تر تعیین شوند.

به نظر من، به جای اینکه نمک‌پندگان مجلس فقط روی محدود کردن مهریه تمرکز کنند، باید ابتدا مشکلات اقتصادی را حل کنند تا قیمت‌سکه به

دریافتی‌هایش را به آن حساب منتقل می‌کند تا قابل ردیابی نباشد. وقتی در چنین شرایطی دولت قادر به نظارت و کشف دارایی‌ها نیست، چگونه می‌توان از یک زن انتظار داشت ثابت کند همسرش چه میزان ثروت دارد و کجا نگه می‌دارد؟ اینجاست که ناعادلانه‌شدن برخی پرونده‌ها انجامیده است. طرح جدیدی که بر اساس آن مطالبه بیش از ۱۴۰ سکه می‌تواند به بازداشت منجر شود، تجربه‌ای تازه است، اما مشکل اصلی جای دیگری است.

از نگاه شما مشکل اصلی کجاست؟

نکته اساسی این است که ما در حوزه نظارت مالی ضعف جدی داریم. در کشورهای توسعه‌یافته، افراد نمی‌توانند دارایی‌های خود را به راحتی پنهان کنند، اما در کشور ما این امکان وجود دارد. بارها دیده شده که مردی از نظر مالی بسیار متمول است، اما هنگام مطالبه مهریه، دارایی‌های خود را مخفی می‌کند و به دلیل ضعف سیستم نظارتی، امکان کشف اموال او وجود ندارد.

در این قانون جدید بار اثبات توانایی مالی بر دوش زن گذاشته شده است، اما سؤال این است: یک خانم از کجا باید بفهمد که همسرش چه دارایی‌هایی دارد، کجا اموالش را منتقل کرده یا چگونه دارایی‌هایش را پنهان کرده است؟

این بخش واقعاً مشکل‌ساز است. وقتی خود دولت و نظام نظارتی کشور توانایی کشف دقیق دارایی‌ها را ندارد، چگونه از یک زن انتظار می‌رود بتواند ثروت واقعی همسرش را اثبات کند؟ ما در کشور با پدیده گسترده فرار مالیاتی در همه اقشار مواجهیم، از سرمایه‌داران و کارخانه‌داران گرفته تا وکلا و صاحبان کسب‌وکار و ساختار دولت توانایی ردیابی این فرار مالیاتی گسترده را ندارد، حتی وقتی شما به پزشک و مراکز درمانی مراجعه می‌کنید، طرف پول را می‌گیرد اما حاضر نیست رسید بدهد، در حالی که ما برای استفاده از بیمه تکمیلی نیاز به رسید داریم. در حوزه پزشکی هم همین وضعیت وجود دارد. بسیاری از پزشکان و جراحان مبالغی خارج از روند رسمی دریافت می‌کنند و پول را به حساب‌هایی با نام افراد دیگر می‌ریزند، حتی در یکی از پرونده‌ها دیدم، یک وکیل برای سראیدار مجتمع مسکونی‌اش حساب باز کرده بود و تمام

در بسیاری از پرونده‌ها دیده‌ایم که محکومان مالی با توجه به توانایی تقسیط مهریه می‌شوند و دادگاه‌ها معمولاً اصرار دارند پرداخت‌ها متناسب درآمد فرد باشد. از طرف دیگر، باید توجه کرد که افزایش تعداد زندانیان هزینه سنگینی برای بودجه عمومی دارد. نگهداری هر زندانی از جیب مردم پرداخت می‌شود، به همین دلیل، به نظر می‌رسد استفاده از پایند الکترونیکی می‌تواند تا حدی مؤثر باشد؛ هم فشار و الزام لازم را ایجاد می‌کند، هم از آسیب‌های زندان جلوگیری می‌شود و هم هزینه‌ها را کاهش می‌دهد. من شخصاً این روش را برای محکومان مالی منطقی‌تر می‌دانم.

از نظر شما به عنوان یک کارشناس حقوقی طرح

پشتوانه خانوادگی یا مالی محکمی نداشته باشند. طبیعی است که باید برای این زنان یک پشتوانه مالی قابل اتکا وجود داشته باشد تا بتوانند زندگی خود را ادامه دهند، اما از طرف دیگر، همین سازوکار در مواردی مشکلات جدی برای مردان ایجاد کرده و به ناعادلانه‌شدن برخی پرونده‌ها انجامیده است. طرح جدیدی که بر اساس آن مطالبه بیش از ۱۴۰ سکه می‌تواند به بازداشت منجر شود، تجربه‌ای تازه است، اما مشکل اصلی جای دیگری است.

نکته اساسی این است که ما در حوزه نظارت مالی ضعف جدی داریم. در کشورهای توسعه‌یافته، افراد نمی‌توانند دارایی‌های خود را به راحتی پنهان کنند، اما در کشور ما این امکان وجود دارد. بارها دیده شده که مردی از نظر مالی بسیار متمول است، اما هنگام مطالبه مهریه، دارایی‌های خود را مخفی می‌کند و به دلیل ضعف سیستم نظارتی، امکان کشف اموال او وجود ندارد.

در این قانون جدید بار اثبات توانایی مالی بر دوش زن گذاشته شده است، اما سؤال این است: یک خانم از کجا باید بفهمد که همسرش چه دارایی‌هایی دارد، کجا اموالش را منتقل کرده یا چگونه دارایی‌هایش را پنهان کرده است؟

این بخش واقعاً مشکل‌ساز است. وقتی خود دولت و نظام نظارتی کشور توانایی کشف دقیق دارایی‌ها را ندارد، چگونه از یک زن انتظار می‌رود بتواند ثروت واقعی همسرش را اثبات کند؟ ما در کشور با پدیده گسترده فرار مالیاتی در همه اقشار مواجهیم، از سرمایه‌داران و کارخانه‌داران گرفته تا وکلا و صاحبان کسب‌وکار و ساختار دولت توانایی ردیابی این فرار مالیاتی گسترده را ندارد، حتی وقتی شما به پزشک و مراکز درمانی مراجعه می‌کنید، طرف پول را می‌گیرد اما حاضر نیست رسید بدهد، در حالی که ما برای استفاده از بیمه تکمیلی نیاز به رسید داریم. در حوزه پزشکی هم همین وضعیت وجود دارد. بسیاری از پزشکان و جراحان مبالغی خارج از روند رسمی دریافت می‌کنند و پول را به حساب‌هایی با نام افراد دیگر می‌ریزند، حتی در یکی از پرونده‌ها دیدم، یک وکیل برای سראیدار مجتمع مسکونی‌اش حساب باز کرده بود و تمام

در رابطه با طرح جدید مهریه که براساس آن سقف پیگیری قضایی از ۱۱۰سکه به ۱۴سکه کاهش یافته است، این پرسش مطرح می‌شود که آیا چنین تغییری با فقه و اصول اسلامی مغایرت ندارد؟

این موضوع در حوزه احکام ثانویه قرار می‌گیرد، زیرا مسئله مهریه در سال‌های اخیر به معضلی جدی تبدیل شده و تعداد زندانیان را به دلیل ناتوانی در پرداخت مهریه افزایش داده است. متأسفانه شرایط اقتصادی و اجتماعی خانواده‌ها نیز به گونه‌ای شده که همین مسئله، اختلافات زناشویی را تشدید کرده و در برخی موارد زمینه سوءاستفاده را فراهم آورده است. همان‌طور که قدیمی‌ها می‌گفتند، جوان هنگام ازدواج «سرسش» افش است» و هر شرطی را می‌پذیرد. فردی که کارمند ساده است، ناگهان مهریه‌ای چندصد یا حتی هزار سکه‌ای قبول می‌کند. با قیمت‌های نجومی امروز، مطالبه چنین مهریه‌ای چه سرنوشتی برای او رقم می‌زند؟

در خصوص احکام شرعی مرتبط با مهریه و تعهد مرد برای پرداخت این دین به زن چطور، آیا به چنین قانونی حق و حقوق زنان حفظ می‌شود؟

واقعیت این است که این موضوع مانند یک «چاقوی دولبه» است. از یک طرف باید حقوق زنان حفظ شود، به‌ویژه زمانی که پس از ۱۰ یا ۲۰ سال زندگی مشترک، ممکن است شوهرشان تصمیم به تجدید فراش بگیرد و آنها



گزارش

چهره‌های مختلفی درباره طرح جدید مجلس برای مهریه موضع‌گیری، تحلیل و اظهار نظر داشته‌اند. از جمله انسیه خن‌علی، معاونت زنان و خانواده دولت چهاردهم که چکیده‌ای از گفته‌های وی درباره مثبت و منفی قانون مهریه به ادامه می‌آید.

■ ■ ■

مهریه بخشی مهم از منظومه مالی اسلام درباره خانواده است. اگر این منظومه به‌صورت یکپارچه دیده شود، بسیاری از شبهات رفع خواهد شد. برای مثال، برخی این پرسش را مطرح می‌کنند که چرا سهم ارث زن نصف است یا چرا سهم همسر از ارث یک‌هشتم یا یک‌چهارم تعیین شده است. پاسخ آن است که زن در نظام حقوقی اسلام از حقوق مالی دیگری نیز برخوردار است، از جمله مهریه، نفقه و اجرت‌المثل کارهایی که در خانه انجام می‌دهد. مجموع این حقوق در بسیاری از موارد بیش از میزان ارثی است که دریافت می‌کند، بنابراین اگر بخشی از این نظام اجرا شود و بخش دیگری کنار گذاشته شود، کاستی از عملکرد ماست نه از ساختار نظام حقوقی اسلام. مهم‌ترین ایراد این است که مهریه از سال ۱۳۹۱ ردیف «محکوم‌های مالی» قرار گرفت. این دسته‌بندی نادرست است، زیرا مهریه جرم یا خسارت مالی نیست، بلکه تعهدی شرعی،

فرهنگ مهریه نیازمند اصلاح است

اخلاقی و حقوقی است که با هدف محبت، احترام و تحکیم بنیان خانواده وضع شده است. قرار دادن مهریه در کنار مواردی مانند دیه یا خسارت ناشی از جرائم غیر عمد، اساساً خطاست و همین امر موجب شد بحث «حبس محکومان مهریه» شکل گیرد. تنها حسن این اصلاح حبس‌زدایی و استفاده از شیوه‌های دیگر مجازات است که البته همان شیوه‌ها هم از جهت نوع تأثیر و تبعات بعدی آن و هم از جهت تأثیرگذاری بر آدای دین و احقاق حق باید موردتوجه قرار گیرد. برای مثال، در تبصره ۴ه شده است که در مواردی که محکوم علیه مالی در یافت نکرده باشد، «صرفاً نظارت سامانه‌های الکترونیکی» اعمال می‌شود، یعنی هر فردی که محکوم شود – چه در پرونده‌های ناشی از جرائم غیر عمد و چه در پرونده‌های مهریه – حتی اگر توان پرداخت داشته باشد، تنها با پایند الکترونیکی مواجه خواهد شد، این در حالی است که اگر فرد توان پرداخت دارد، الزاماً باید پرداخت کند و نظارت الکترونیکی تنها در موارد اعسار یا عدم امکان پرداخت قابل اعمال است. این موضوع با ماهیت مهریه به هدف شرعی و حقوقی آن سازگار نیست.

از مواردی که به‌عنوان نکته مثبت در این طرح برای زنان ذکر می‌کنند، این است که در صورت تحقق یکی از دو شرط و البته چشم‌پوشی از تمامی حقوق مالی امکان درخواست طلاق برای زن

مشاهده می‌شود. مهریه‌های سنگین نیز نه تنها اسلامی نیستند، بلکه از حکمت‌وضع مهریه فاصله گرفته‌اند. اگر فرهنگ واقعی مهریه اصلاح می‌شد، بسیاری از مشکلات مربوط به دعاوی مهریه و اختلافات خانوادگی مرتفع می‌شد.

واقعیت این است که مهریه مانع طلاق نیست، اما از نگاه بسیاری از زنان، یک پشتوانه مالی ضروری است؛ زیرا بسیاری از آنان درآمد